

الحمد لله نعمت آیات ظاهر و مائدة بینات نازل ...

حضرت بهاء الله

نسخه اصل فارسی



از الواح حضرت بهاء الله - بر اساس نسخه موجود در "کتابخانه آثار بهائی" در مرکز جهانی بهائی
- شماره ۶۰

بمبئی

حضرت افنان آقای حاجی سید میرزا علیه بهاء الله الأبهی

۱۹ رمضان سنه ۱۳۰۹

بسم ربنا الأقدس الأعظم العلی الأبهی

الحمد لله نعمت آیات ظاهر و مائدة بینات نازل افتده و قلوب صافیه بطراز الفت بدیعہ مزین حمد مالک وجود و مربی غیب و شهود را لایق و سزا که ذکرش را توقی نه و بیانش را منعی مانع نه اراده اش غالب و مشیتش محیط جلّ اقتداره و جلّت عظمته و جلّ اختیاره و لا اله غیره این ایام اگرچه اخبار صحت و سلامتی آن حضرت و حضرات آقایان افنان علیهم بهاء الله و عنایاته در عرصه مالک ادیان ظاهر و مشهود و لکن ذکر جدید را لذتی دیگر و حلاوتی دیگر است چندی قبل دستخطّ عالی بمثابّه پیک روحانی رسید فی الحقیقه فرح و حزن هر دو از آن مشهود فرحش افسردگی عوالم حزن و کسالت آن را از میان برداشت و حزنش بر غم ایام افزود و لکن چون بلایا و رزایا و خسارات و انقلابات در ایام دوست یکتا و فی سبیلہ تعالی وارد فی الحقیقه مطلع فرح عالم و مشرق سرور امم است اگر عالم و امم بادراک این مقام فائز شوند و یا فائز شویم الأمر بید الله یفعل ما یشاء و یحکم ما یرید و بعد از قرائت و اطلاع قصد مقام مالک ابداع نموده بعد از اذن عرض شد و بشرف اصغاء مولی الوری فائز گشت هذا ما نزل فی الجواب من لدی الله مالک المبدی و المآب قوله عزّ بیانه و جلّ برهانه

بسمه المهیمن علی الأسماء

یا ایها المذکور لدی المظلوم و القائم امام الباب اسمع ما ینطق به ربّ الأرباب فی المآب انه یجذبک و یقرّبک و یخلصک من احزان الدنیا و حوادثها و یجعلک ناطقاً بثنائه و متوجّهاً الی انوار وجهه و قائماً علی خدمه امره فی العشی و الاشرق امروز از مشرق قلم اعلی نیر استقامت مشرق و لائح و از مطلع بیان فرات عرفان جاری طوبی لمن وجد و اخذ و شرب و



ORIGINAL

ویل للغافلین حقّ جلّ جلاله در این یوم مبارک اقدس ابهی بکلّ اسماء ظاهر طوبی لعبد وجد عرف البیان و فاز بما کان مرقوماً من قلم الوحی فی الزّبر و الألواح یا افنانی علیک بهائی و عنایتی از قبل این کلمه علیا از لسان مالک ملکوت اسماء نازل و همچنین در این حین مبین مرّه آخری ظاهر افنان سدره مخصوص خدمت امر از عدم بعرضه وجود آمده‌اند در جمیع احوال و احیان باید بآن متمسک باشند اوست سبب علوّ و علّت سموّ و ظهور آنچه حال از عقول و ابصار مستور است یا افنانی لعمر الله سوف یظهر ما رقم من قلم مالک القدم یشهد بذلك من عنده امّ الکتاب امروز باید آن جناب باسبابی که سبب ارتفاع کلمه و ارتقاء وجود است تمسک نمایند و سبب جذب و انجذاب و شوق و اشتیاق مقبلین و مشتاقین گردند در لوح دنیا این کلمه علیا نازل یا افنانی علیک بهائی و عنایتی خیمه امر الهی عظیم است جمیع احزاب عالم را فرا گرفته و خواهد گرفت روز روز شماس و هزار لوح گواه شما بر نصرت امر قیام نمائید و بجنود بیان بتسخیر افنده و قلوب اهل عالم مشغول شوید باید آن افنان این ایام تمسک نماید بآنچه سبب نشاط و انبساط اهل عالم است از خسارت و امثال آن محزون مباشید سبب و علّت آن عدم توجه بامر آمر بوده و علّت عدم توجه عفو و عطای مقصود عالمیان یشهد بذلك کتبی و زیری و الواحی و ما انزلناه فی هذا السّجن الذی جعله الله من اعلیّ المقام و این خسارت هم چون مبدء و اسبابش دنیا بوده لایق حزن نبوده و نیست چه که شاید این خسارت سبب نعمت و علّت راحت اهل عالم گردد چنانچه در اواخر عهد پادشاه مغفور فتحعلی شاه رحمه الله هر یوم ضرّی و ضرری بر والد وارد و احدی از حکمت و سرّ آن آگاه نه تا آنکه اراده الهی و مشیت ربّانی فی الجمله کشف غطا شد و سبب و علّت آن بمثابة نور آفتاب ظاهر و روشن گشت چه که با بقاء آن اسباب ظهور این امر از مطلع برهان مشکل بود باری عند ربّک خزائن العلوم لا تحزن و لا تخف افرح بفرحی الاکبر و کن مسروراً بسرور ربّک العظیم الخیر و آنچه الیوم لازم اسبابیست که سبب تقرّب ناس بوده و هست اگر در سایر بلاد عباد الهی عمل مینمودند بآنچه که در سجن اعظم حزب الله بآن عامل حال اکثری از خلق بحقّ توجه مینمودند و بآنچه سبب خلود در جنّت بیان است فائز میگشتند در محرم و ماه مبارک رمضان نفس حقّ بما ینبغی عمل نموده و مینماید قل یا حزب الله خذوا کتّاب الله بقوة من عنده ثمّ اعمالوا به انه یحفظکم و یحرسکم بسلطانه و یرفعکم باسمه بین عباده انه هو العزیز الفیاض قل

الهی الهی اسألك بالدماء المسفوكة فی سبیلک و بما ورد علی مظهر نفسک فی ارض الطّاء من ظلم اعدائک و ضرّ اشرار خلّک ان تؤیّد عبادک علی الرجوع الیک و القیام علی خدمة امرک انک انت المقتدر علی ما تشاء لا اله الا انت العزیز الفضال

البهاء المشرق اللّائخ من افق سماء عطائی علیکم یا افنانی و علی الدّین شربوا رحیق العرفان من کأس بیانی و یسمعون قولکم فی هذا الأمر المبین و النّبیا العظیم انتهى لله الحمد و البهاء و الذّکر و الثّناء چه که در ایامی که نار احزان از جهات مشتعل و نور امر مستور حضرت مالک الملک بذکر اولیا مشغول عنایتی در عالم ظاهر شده که شبه و مثل نداشته و ندارد در این ایام مبارکه در جمیع ساعات لسان عظمت برحمت مسبوقه و عنایت محیطه اش ناطق و ذاکر و از برای اولیا مقدّر فرموده آنچه را که السن و اقلام از ذکرش عاجز یسأله الخادم ان یحفظ اولیائه من ظلم الظّالمین و شماتة المشرکین و غضب المعتدین انه علی کلّ شیء قدیر

اظهار دلتنگی از حوادث روزگار و ضیق امورات فرموده بودند بعد از عرض حضور این کلمات عالیات از ملکوت بیان نازل قوله عزّ بیانه و جلّ برهانه یا افنانی علیک بهائی و عنایتی امثال این امور از شرایط ایام ظهور است امری که در

اول ايام جميع انام از آن غافل البتّه سبب ضوضا و اختلاف و انقلاب ميگردد ولكن از بعد كل بامر آمر حقيقي تبديل ميشود ظلم بعدل اضطراب باطمینان بعد بقرب انكار باقرار اعراض باقبال فقر بغنا و مسكنت بثروت كلّ ذلك كان عند ربك حتماً مقضياً لو تعرف ما قدر لك و لمن معك لتطير بأجنحة الاشتياق و تجد نفسك ثابتة مستقيمة راسخة مسرورة في هذا الأمر المبرم العزيز الحكيم بايد آن جناب بشأنی حرکت نمایند که سبب فرح و سرور و جذب و انجذاب افنده و قلوب گردد بشنو نصيحت مظلوم را انها تحفظک و تنجيک و ترفع مقامک في الظاهر و الباطن ان ربك هو العليم الخبير انتهى در جميع احوال آن حضرت بايد بعنايات مخصوصه حقّ جلّ جلاله سرور باشند در هر کلمه از کلمات الهی آب حیات مستور لازال نوشیده و مینوشند ولكن از بعد بايد باوامر و احکام ناظر باشند و آنچه امر شود في الحين بآن تمسک نمایند انشاء الله عرصه آن انجن بآن حضرت لازال گرم و مشتعل باشد از حقّ جلّ جلاله اين فقره را مکرر این خادم مسئلت نموده و مينمايد انه هو السامع المجيب

آقای مکرم حضرت افنان جناب حاجی سيد محمد عليه بهاء الله الأبهی لازال مذکور بوده و هستند اين عبد خدمت ایشان و ساير حضرات افنان سدره عليهم من كلّ بهاء ابهه و اولیای الهی و اولیای اولیای الهی سلام و تکبير و بها می‌رسانم و عرض مینمایم و از برای هریک از معدن کرم می‌طلبم آنچه را که باقی و دائم است ان ربنا هو المجيب و قاضی حوائج المقربين و المخلصين البهاء و الذکر و الثناء علی حضرتکم و علی من يحبکم و يسمع قولکم في امر ربنا و ربکم و رب من في السموات و الأرضين